

طرحی از حیات فقیه عالیقدر

مقدمه

آیت‌الله‌العظمی حسینعلی منتظری از جمله مهم‌ترین شخصیت‌های فقهی در عالم تشیع و از چهره‌های شاخص انقلابی در جهان معاصر است. او در راه کسب علم لحظه‌ای از تلاش خود دست نکشید و پس از آشنایی با آیت‌الله خمینی و درک نهضت ایشان، در شرایطی که بسیاری، عقب‌نشسته بودند، میدان‌داری می‌کرد. در جریان انقلاب 1357 و بعد از به ثمر نشستن آن، آیت‌الله منتظری دومین شخصیت به حساب می‌آمد اما او بیش از سایر مراجع تقلید در معرض قضاوت عموم قرار داشت. این شخصیت با وجود آن همه زحمت و تحمل آن‌همه مشقت در راه انقلاب، مورد بی‌مهری مقامات نظام بعد از انقلاب قرار گرفت و کم‌لطفی‌هایی در حق او روا داشته شد.

ابتدای حیات

حسینعلی منتظری در سال ۱۳۰۱ خورشیدی در نجف‌آباد اصفهان متولد شد. پدرش حاج علی، کشاورز بود و در کنار کار روزانه‌اش با کتاب نیز دمخور بود. او معلم اخلاق و مدرس قرآن بود و این‌ها را وامدار شرکت در جلسات درس و بحث شیخ احمد حجی، با اینکه یک روز هم به مدرسه دینی برای درس خواندن نرفته بود ولی در مسائل ورودی داشت. حاج علی تا روزهای پایانی عمر خود که در سال 1368 بود، دمی از علم‌اندوزی و آموزش فارغ نشد. زنی که حسینعلی از بطن او تولد یافت، بانویی تقوای پیشه بود و از همان دوران شیردهی سعی می‌کرد با وضو طفل خود را تغذیه کند و اصولاً به تربیت و رشد دینی فرزندش بسیار اهمیت می‌داد. او در سال 1349 خورشیدی، کمی بعد از اینکه فرزندش از زندان شاهنشاهی آزاد شد، به دیار باقی شتافت. آیت‌الله منتظری در ابتدا اندکی نزد پدرش درس خواند و از هفت‌سالگی آموختن را با ادبیات فارسی و سپس صرف و نحو عربی آغاز کرد. حدوداً پنج ماه به مکتب رفت، دو ماه هم در یک مدرسه ملی تحصیل کرد، معلم آنجا یک روزبه جهت بدخطی با شلاق او را تنبیه کرد. او از آن‌پس دیگر به مدرسه نرفت. در این زمان پدرش وی را به مکتب برد و مدتی هم شب‌ها در مسجد صرف و نحو خواند. بعد از او به اصفهان فرستادند، چند ماهی هم در اصفهان ماند و سپس به قم رفت. عزیمت او به قم در زمان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری در 1314 بود، زمانی که حسینعلی 13 سال داشت.

اقامت در اصفهان



منتظری در مدرسه جده بزرگ اصفهان ساکن شد و ا شروع کرد به تدریس؛ گاهی سیوطی درس میداد گاهی جامع المقدمات بخصوص «صرف میر». نزدیک به شش سال در اصفهان ماند و در این مدت علاوه بر تدریس به تحصیل علوم و خواندن کتابهایی همچون شرح لمعه و قوانین و قسمت‌های زیادی از رسایل و بخشهایی از مکاسب پرداخت.

اقامت در قم

سال 1320 وارد قم شد و در مدرسه حاج ملا صادق ساکن شد. او از فرصت حضور در قم استفاده کرد و در کلاس درس مرحوم آیت‌الله سید محمد محقق (معروف به داماد) برای آموختن سطح کفایه جلد اول باب اوامر شرکت کرد. در این کلاس بود که با مرتضی مطهری آشنا شد و نزدیکی آنها از بحث در باب مطالب درسی فراتر رفت و به مسائل مختلف اسلامی و فلسفی و عرفانی رسید. در این روزها بود که به پیشنهاد آیت‌الله مطهری محل سکونتش را به مدرسه فیضیه انتقال داد. یکی از کلاس‌هایی که این دو بزرگوار توأمان در آن شرکت می‌کردند، کلاس درس اخلاق حضرت آیت‌الله خمینی بود که عصرهای پنجشنبه و جمعه در مدرسه فیضیه برگزار می‌شد. آشنایی منتظری با آیت‌الله خمینی از همین‌جا شروع شد و همین نقطه آغازی بود برای وارد شدن در سیل انقلاب و فعالیت‌هایی که منتظری پیش، حین و پس از انقلاب انجام داد. منتظری در نیمه اول سال 1320 با ماه سلطان ربانی ازدواج کرد و پس از گذشت چند سال اولین فرزندش محمد به دنیا آمد و بعدازآن عصمت، اشرف، احمد، طاهره، سعید و سعیده حاصل این پیوند بودند.

استادان

بزرگانی که آیت‌الله منتظری در محضر آنان تحصیل علم کرده بود، تعداد بسیار زیادی را شامل می‌شوند ولی در اینجا به ذکر نام چند تن اکتفا می‌شود:

- سطح: آیت‌الله رضا بهاء‌الدینی، آیت‌الله عبدالرزاق قائینی
- فلسفه، منطق، هیات، نهج‌البلاغه و اخلاق: علامه طباطبائی، آیت‌الله‌العظمی شیخ احمد خوانساری
- خارج فقه و اصول: آیت‌الله‌العظمی بروجردی، آیت‌الله‌العظمی خمینی

مبارزات آزادیخواهانه

تثبیت مرجعیت آیت‌الله خمینی و بازداشت در سال 1342

در پی رحلت آیت‌الله بروجردی (در سال 1340 شمسی) بسیاری از بزرگان

و استادان حوزه علمیه از جمله آیت‌الله منتظری و آیت‌الله مطهری قائل به اعلمیت آیت‌الله خمینی بودند و او را برای زعامت مسلمانان شایسته‌تر می‌دانستند. هنگامی که ساواک آیت‌الله خمینی را در جریان قیام پانزده خرداد 1342 بازداشت کرد، آیت‌الله منتظری ابتدا در مسجد جامع نجف‌آباد یک هفته تحصن عمومی برقرار نمود و پس از آن در جریان مهاجرت مراجع به تهران در اعتراض به بازداشت آیت‌الله خمینی شرکت کرد، تلگرافی تنظیم نمود و آن را به امضاء تمام علمای حاضر در جلسه رساند. این موضوع باعث خنثی شدن طرح ساواک شد؛ اما خشم آنان متوجه منتظری گشت و او را در صحن حرم حضرت عبدالعظیم دستگیر و پس از مدتی آزادش کردند. هنگامی که آیت‌الله خمینی را تبعید کرده بودند، کم‌کم نام و یاد ایشان هم داشت متروک می‌شد؛ روحانیان برای زنده نگاه داشتن قضیه و نیز به‌عنوان اعتراض به دستگاه پیشنهاد کردند جلسه‌ای در مدرسه فیضیه گرفته شود، در آن جلسه آقای حسین نوری و آقای مشکینی و منتظری سخنرانی کردند. منتظری بعد از خواندن خطبه و صحبت‌هایی در مورد امر به معروف و نهی از منکر، گفت: «حوزه علمیه قم که روح‌الله در آن نباشد روح ندارد، اکنون حوزه یک پیکر بی‌روح است، روح خدا باید در حوزه باشد، چرا ساکت نشسته‌اید، خمینی باید برگردد!» بعد از اتمام سخنان ایشان، جمعیت اطراف او را گرفتند و از طریق کتابخانه مدرسه فیضیه فراری‌اش دادند. چند شب هم به منزل نرفت تا بعداً آب‌ها از آسیاب افتاد. البته آن زمان دستگیرش نکردند ولی این سخنرانی جزو پرونده او شد و بعداً که بازداشت شد به خاطر انگیزه تشکیل این جلسه و مطالب آن سخنرانی مورد بازجویی قرار گرفت.

بازداشت به همراه فرزند در نوروز 1345

در عید نوروز سال ۱۳۴۵ محمد منتظری به دلیل پخش اعلامیه در حرم حضرت معصومه دستگیر شد. ساواک بدون فوت وقت به سراغ منتظری رفته و او را بازداشت نمود منتظری و پسرش در این دستگیری به شدت مورد شکنجه قرار گرفتند که برخی از آن ضربات منجر به کم شدن شنوایی و ضعف شدید بینایی او شد؛ اما اعتراض علما و روحانیون حوزه علمیه سبب شد تا او بعد از هفت ماه از زندان آزاد شود.

بازداشت در سال 1346

حسین‌علی منتظری چند ماه پس از آزادی از زندان جهت توسعه و تداوم جریان مبارزه ضرورتاً به‌طور مخفیانه برای زیارت عتبات در عراق و ملاقات با آیت‌الله خمینی رهسپار عراق شد، اما حکومت که از این سفر مطلع شده بود هنگام بازگشت از عراق او را در منطقه مرزی دستگیر کرد و به زندان فرستاد که پس از تحمل حدود پنج ماه حبس، آزاد شد.

تبعید به مسجد سلیمان در سال 1346

ساواک در خارج از زندان نیز همیشه او را زیر نظر داشت و در زمان برگزاری جشن‌های تاج‌گذاری تصمیم گرفت او را به مسجدسلیمان تبعید کند که این تبعید سه ماه به طول انجامید. بعد از آن در مسجدسلیمان به منتظری گفته شد که نباید به قم بازگردد، ولی او به قم مراجعت نمود و با وجود ممانعت شدید ساواک عدّ کثیری از علما، اساتید و طلاب حوزّه علمیه با او دیدار کردند؛ تا اینکه از جانب ساواک او را به نجفآباد منتقل کرده و در آنجا تحت مراقبت شدید قرار دادند.

بازداشت در سال 1347

هنوز چند ماهی از پایان تبعید به مسجدسلیمان و انتقال به نجفآباد نگذشته بود که به علت ادامه فعالیت‌های سیاسی حسین‌علی منتظری خصوصاً در خطبه‌های نماز جمعه که او آن را در نجفآباد پایه‌گذاری کرده بود، در سال 1347 ساواک مجدداً او را دستگیر کرد و پس از محاکمه به سه سال زندان و در دادگاه تجدیدنظر به یک گوشه‌زنگ زندان محکوم نمود و به زندان قصر فرستاد.

تبعید دوباره به نجفآباد

منتظری پس از گذراندن دوران محکومیت، در اردیبهشت ۱۳۴۹ آزاد و راهی قم گشت؛ ولی حکومت نمی‌خواست او در میان طلاب و علمای حوزّه علمیه قم حضور داشته باشد، بنابراین دوباره او را به زادگاه خود تبعید کرد. او در نجفآباد به فعالیت‌های خود ادامه داد و در ضمن ایراد خطبه‌های نماز جمعه و سخنرانی‌های خود از حکومت وقت انتقاد می‌کرد. مدت تبعید به نجفآباد مجموعاً حدود سه سال طول کشید.

تبعید به طبرس در سال 1352

بار دیگر رژیم حضور حسین‌علی منتظری در زادگاه خود را تاب نیاورد و در سال 1352 او را به سه سال تبعید در طبرس محکوم کرد. حضور او در طبرس موجب اجتماع مبارزان شد. در طول اقامت منتظری علاوه بر مردم شهر، نزدیک به پنجاه‌هزار نفر از مردم شهرهای دیگر ایران برای دیدار با او وارد طبرس شدند که همین تعداد کثیر دیدارکننده سبب نگرانی ساواک و انتقال او از طبرس بعد از گذشت یک سال گشت.

تبعید به خلخال در سال 1353

تسلیم‌ناپذیری منتظری و اصرار او در فعالیت‌های سیاسی چنان شد که در اواسط سال ۱۳۵۳ رژیم تصمیم به تبعید مجدد وی گرفت و او را از طبرس به خلخال تبعید کرد. از آنجا که زبان مردم آن خطه ترکی‌آذری بود، نفوذ منتظری در آغاز سرعت چندانی نداشت، اما اختلاف زبان نیز جلودار او نشد و بالاخره یکی از امامان جماعت آن شهر، مسجد خود را در اختیار او قرارداد. منتظری فعالیت خود را در آن مسجد آغاز کرد و همچون سایر تبعیدگاه‌های خویش در بین نماز قرآن تفسیر می‌کرد. به تدریج بر تعداد نمازگزاران افزوده شد و فضای مسجد برای تبلیغ

نهضت اسلامی آماده‌تر گردید. مأموران رژیم شاه بار دیگر در جهت تضعیف منتظری کوشیدند و در نهایت پس از گذشت حدود چهار ماه او را به تبعیدگاه سقز بردند.

سقز آخرین تبعیدگاه

در تبعیدگاه سقز، منتظری آخرین دوران تبعید خویش را گذراند. باوجود دوری از شاگردان و دوستان و اختلاف با مردم بومی منطقه از نظر مذهب و زبان، ساواک از دیدار مردم با وی مضطرب شده و از مرکز خواستار تصمیم‌گیری در این زمینه شد؛ از طرف دیگر در ارتباط با برگزاری مراسم سالگرد پانزده خرداد در مدرسه فیضیه قم که ده‌ها نفر از دوستان و شاگردان او دستگیر شده و ساواک به ارتباط دستگیرشدگان با منتظری پی برده بود، تصمیم به بازداشت و انتقال او به تهران گرفت.

بازداشت از تبعیدگاه سقز و انتقال به زندان اوین در سال 1354

در تیرماه ۱۳۵۴ منتظری را از تبعیدگاه سقز روانه زندان کردند. ابتدا او را به بازداشتگاه کمیتۀ مشترک تهران بردند و فردای آن روز روانه زندان اوین کردند. در اوین مدت شش ماه را در سلول انفرادی سپری کرد. در این بازداشتگاه‌ها با فشارهای روحی و جسمی روبرو گردید. در زیر همین فشارها و شکنجه‌ها بود که شکنجه‌گر «ازغندی» به او گفته بود: «علت این‌که تو را از حوزه دورنگه می‌داریم و از این‌طرف به آن‌طرف می‌فرستیم این است که یک خمینی دیگر به وجود نیاید.» پس از شش ماه بلاتکلیفی در زندان اوین بالاخره در یک دادگاه نظامی به اتهام کمک به جنبش اسلامی و خانوادۀ زندانیان سیاسی و اقدام برای تشکیل حکومت اسلامی، به ده سال زندان محکوم شد؛ اما در زندان نیز همراه رهبرانی همچون آیت‌الله طالقانی به فعالیت‌های جنبش اسلامی و سیاسی ادامه داد. سرانجام با اوج‌گیری مبارزات و عقب‌نشینی‌های مکرر حکومت پهلوی، منتظری پس از گذراندن حدود سه سال و نیم از دوران محکومیت به همراه آیت‌الله طالقانی در هشتم آبان ۱۳۵۷ از زندان آزاد شد و مورد استقبال چشمگیر مردم قرار گرفت. میزان مقبولیت منتظری در مبارزه و انقلاب تا آنجا بود که آیت‌الله خمینی در زمان تبعید، او را به‌عنوان نماینده تام‌الاختیار خویش در ایران منصوب کرد. آیت‌الله خمینی از او با تعبیری همچون «حاصل عمر من»، «ذخیره انقلاب» و «برج بلند اسلام» یاد می‌کرد و پس از پیروزی انقلاب بسیاری از مسائل فقهی و سیاسی مربوط به قوه قضائیه و وزارتخانه‌ها را به ایشان ارجاع می‌دادند.

نقش آیت‌الله منتظری در پیروزی انقلاب اسلامی

♦ بعد فکری و سیاسی

شرایط فکری حاکم در آن زمان، اندیش‌ جهاد و مبارزه با طاغوت را از بین برده بود از این‌رو آیت‌الله منتظری مسأله بیداری و رشد فکری جامعه را در بین قشر تحصیل‌کرده و روشنفکر مذهبی مکرراً تکرار می‌کرد. او می‌کوشید بین مردمی که فاصل‌ طبقاتی ناشی از نظام سرمایه‌داری بر آنان سایه گسترده بود، برادری و اخوت ایجاد کند تا آن‌ها سربازان یک سنگر علیه استبداد باشند. در آن شرایط که بیشتر روحانیون از نهضت خمینی حمایت نمی‌کردند، این منتظری بود که میدان را ترک نکرد. حمایت این شخصیت که مورد قبول تمام علما و مراجع دینی بود، تأثیر غیرقابل‌انکاری در مشروعیت و مقبولیت و گسترش نهضت اسلامی داشت.

♦ حمایت از مرجعیت و رهبری آیت‌الله خمینی

آیت‌الله منتظری به همراه آیت‌الله مطهری و آیت‌الله ربانی شیرازی و جمعی از علما و فضلاء حوز‌ علمیه قم به مرجعیت آیت‌الله خمینی توجه کردند و با تأیید کتبی آن و دادن اعلامیه، قدم بزرگی در راه حمایت از مرجعیت و رهبری امام خمینی برداشتند که نتیجه آن تبعید بود. در این موضوع نقش شهید محمد منتظری را هم باید در نظر داشت که با کارشکنی‌ها، برخورد صریح می‌کرد. تلاش آیت‌الله منتظری و آیت‌الله امینی جهت تهی‌ مقدمات تنظیم و ارسال تلگراف از طرف مراجع و علمای مهاجر به تهران، در رابطه با آیت‌الله خمینی به‌عنوان مرجع تقلید شیعیان، در تثبیت مرجعیت و رهبری انقلاب نقش زیادی داشت.

♦ تنظیم اعلامیه‌ها و نشر آن‌ها

طبق اسناد ساواک آیت‌الله منتظری در پشت اکثر بیانیه‌ها و جزوات مخفی و نشریات حضور داشت که از داخل حوز‌ علمیه قم علیه رژیم فعالیت می‌کرد.

♦ حمایت‌های مالی از نهضت اسلامی و افراد مبارز

هر نهضتی برای تداوم باید از نظر مالی تأمین باشد. در زمانی که رهبر نهضت اسلامی در تبعید به سر می‌برد و ارتباط مبارزان با ایشان به‌طور کلی قطع شده بود، این آیت‌الله منتظری بود که از نهضت و مبارزان حمایت مالی می‌کرد. یکی از مواردی که آیت‌الله منتظری را به آن متهم کردند، حمایت از نهضت اسلامی و کمک به خانواده‌های زندانیان سیاسی بود.

همراه با انقلاب پس از پیروزی

در همان روزهای ابتدایی پس از انقلاب، برگزاری نماز جمعه مورد توجه آیت‌الله منتظری قرار گرفت و با بیان این موضوع در نزد امام خمینی، امام تصدی این کار را به آیت‌الله منتظری داد و منتظری به امامت جمعه تهران منصوب شد. برای انتخابات خبرگان قانون اساسی،

عدّ کثیری از نیروهای انقلاب خواستار نامزدی آیت‌الله منتظری در این انتخابات شدند که او بارای بالا به خبرگان پذیرفته شد. پس از مراجعت او به قم منزلش محل مراجعه مسؤولین مملکتی و اقشار مختلف مردم بود بنابراین او مهم‌ترین پل ارتباطی مردم با امام بود. وی بر مشارکت هم‌مردم و گروه‌های سیاسی و استفاده از همه تفکرات و قابلیت‌ها اعم از موافق و مخالف تأکید داشت و حتی نسبت به جریان‌های منحرف و ضدانقلاب، اعتقاد به جذب آنان داشت. در سال‌های جنگ نیز کمک و مساعدت آیت‌الله منتظری بر همگان واضح بود. او علاوه بر ارائه سفارش‌ها مهم به فرماندهان ارتش در جلسات خصوصی و عمومی، بسیاری از بستگان خود را به جبهه‌های جنگ گسیل داشت. پس از فتح خرمشهر در سال 1361 بر پایان دادن به جنگ اصرار ورزید اما موافقت ابتدایی آیت‌الله خمینی با این موضوع، با گزارش‌های برخی از فرماندهان سپاه و مسؤولان جنگ به مخالفت انجامید و نظر امام خمینی بر ادامه جنگ تغییر مسیر داد تا اینکه در سال 1367 آیت‌الله خمینی ناچار از قبول قطعنامه 598 شد. در اینجا به چند نمونه از اقدامات و راهکارهایی که آیت‌الله منتظری در رابطه با موضوعات مختلف پیشنهاد داده بود اشاره می‌شود:

- تأسیس چهار مدرسه با برنامه‌های مخصوص در حوزه علمیه قم
- ایجاد مدارس علمیه در خارج از کشور به منظور تربیت طلاب خارجی در کشورهای خود
- به وجود آوردن جریان وحدت حوزه و دانشگاه
- اعزام نماینده به داخل زندان‌ها جهت بررسی امور زندانیان
- تشکیل هیئت عفو زندانیان
- تأکید بر آزادی رسانه‌های جمعی اعم از صداوسیما و مطبوعات و امکان استفادۀ همه جناح‌ها و گروه‌های سیاسی و فکری از رسانه‌های جمعی
- تأکید بر آزادی احزاب
- تأکید بر حذف ارگان‌های مکرر و ادغام در مشابیه‌های خود
- تأکید بر جذب مغزهای تحصیل‌کرده و متخصص که به دلایلی از کشور خارج شده‌اند
- تأکید بر عدم تصدی پست‌های اجرایی توسط روحانیت، و اقدامات و راهکارهای دیگر.

قائم‌مقامی رهبری و پیامدهای آن

بعد از پیروزی انقلاب، موضوع انتخاب وی به‌عنوان جانشین آیت‌الله خمینی به‌عنوان ولی‌فقیه آینده ایران مطرح گردید. در هر حال وقتی امام خارج از کشور بود، منتظری در داخل نقش رهبری انقلاب را در

بین نیروهای مذهبی به نیابت از ایشان به عهده داشت و بزرگ‌ترین پشتوانه و پشتیبان مبارزان بود. در سال ۱۳۶۴ مجلس خبرگان رهبری با نظر به ادامه رهبریت پس از فوت آیت‌الله خمینی و با در نظر داشتن اقبال عمومی مردم به سمت حسینعلی منتظری تصمیم گرفت آیت‌الله منتظری را به‌عنوان قائم‌مقام روح‌الله خمینی معرفی کند. مخالفان سیاسی منتظری که توان تحمل انتقادات و برخوردهای او را نداشتند، در پی حذف کامل منتظری از صحنه‌های سیاسی و اجتماعی انقلاب برآمدند. پس از بازداشت مهدی هاشمی، منتظری به نشانه اعتراض درس‌های خود را تعطیل کرد. مهدی هاشمی که در افشای ماجرای مک فارلین نقش مهمی داشت به دلیل مجموعه‌ای اتهامات مجرم شناخته‌شده و در سال ۱۳۶۶ اعدام شد.

دشمنان و مخالفان منتظری این موضوع را دستاویز قرار داده و شروع به تخریب او کردند. این برنامه با جوسازی نزد آیت‌الله خمینی علیه منتظری شروع گردید و پس از دو سال ادامه این روند با ارسال نامه‌ای از بیت رهبری در تاریخ 6/1/1368 به منتظری وارد مرحله تازه‌ای شد و سپس جواب او در جهت واگذاری رهبری به انتخاب مجلس خبرگان به‌وسیله نامه‌ای در تاریخ 7/1/1368 و نهایتاً اعلام برکناری آیت‌الله منتظری از قائم‌مقامی رهبری (تحت عنوان استعفای او) توسط رسانه‌های جمعی همزمان با نامه آیت‌الله خمینی در تاریخ 8/1/1368 منتشر شد. به دنبال این مسأله بلافاصله اقدامات به شکل تخریب دیوار و حصار اطراف بیت، محو و حذف نام و عکس‌های آیت‌الله منتظری از کتب درسی، ادارات دولتی و معابر عمومی، تغییر نام خیابان‌ها و اماکنی که به نام آیت‌الله منتظری نام‌گذاری شده بود و جمع‌آوری رساله و تألیفات او و مزاحمت نسبت به بسیاری از شاگردان و علاقه‌مندان او ادامه یافت. علاوه بر فعالیت‌های فیزیکی فوق، تخریب شخصیت منتظری نیز با نوشتن «رنج‌نامه» توسط احمد خمینی و «خاطرات سیاسی» توسط ری‌شهری، مقالات توهین‌آمیز در روزنامه‌ها، سخنرانی‌ها و بیانیه‌های اهانت‌آمیز از طریق رادیو و تلویزیون و در مجالس و خطبه‌های نماز جمعه به‌طور مکرر صورت می‌گرفت؛ همه این موارد در حالی صورت می‌گرفت که وی مجال دفاع از خود را نداشت. در اواخر سال ۱۳۶۸ با مطرح‌شدن مسأله استقرار خارجی، آیت‌الله منتظری در سخنرانی اعتراضی این مطلب را عنوان کرد که «استقرار خارجی به ضرر مملکت است و به استقلال سیاسی و اجتماعی ما لطمه می‌زند». این انتقاد موجب شد که عده‌ای به‌سوی بیت او هجوم‌آورند و پس از دادن شعارهای توهین‌آمیز و کندن تابلوی دفتر وی محل را ترک کنند.



در ۲۱ بهمن ۱۳۷۱ در سخنرانی به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در اعتراض به فضای اربعاب آمیز و خفقانی که برای برخی از نیروهای انقلابی پیش آورده وعده‌ای، از جمله فرمانده داوود کریمی را دستگیر و زندانی نموده بودند، منتظری در دفاع از آنان اظهاراتی را در حدود یک ربع ساعت، بیان داشت. دو روز بعد عده‌ای در برابر بیت تجمع کرده و با سنگ‌پرانی و شعار ایجاد اغتشاش نمودند و سپس صبح روز بعد به محل درس حمله کرده وعده‌ای از شاگردان او را مضروب و دستگیر کردند و شب‌هنگام در ساعت ده شب حدود هزار نفر نیروی نظامی با قطع برق و تلفن‌ها و با محاصره کامل منطقه با کندن درب‌ها به وسیله جرثقیل و شکستن شیشه‌ها به دفتر و حسینیه وی حمله کرده و پس‌از این تهاجم آرشیو دفتر و اموال زیادی را به غارت بردند.

در سال ۱۳۷۳ پس از درگذشت آیت‌الله العظمی اراکی، بار دیگر مسأله مرجعیت آیت‌الله منتظری توسط عده‌ای از علمای حوزه عنوان گردید؛ پس از سخنرانی آیت‌الله سید علی خامنه‌ای که در آن از آیت‌الله منتظری انتقاد شده بود، گروه‌های فشار به بیت آیت‌الله منتظری حمله کردند و فردای آن روز مورخ سوم دی‌ماه ۱۳۷۳ یورش مجدد به محل درس و شکستن میز خطابه و لوازم حسینیه و تهدید شاگردان صورت گرفت. ایشان در روز ۲۳ آبان سال ۱۳۷۶ در رابطه با مسأله مرجعیت شیعه و حکومتی شدن مرجعیت و دخالت ارگان‌های دولتی در آن احساس خطر نمود و در میان سخنرانی، راجع به استقلال کامل قوای سه‌گانه، مسؤول بودن کلیه افراد در برابر قانون و ردّ فراقانونی بودن اختیارات رهبری و تأکید بر محدود بودن قدرت آن طبق قانون اساسی، آزادی عمل در انتخاب مرجعیت شیعه و آزادی تشکلهای حزبی و گروهی، مطالبی را بیان کرد. این بار مخالفین با قدرت‌نمایی و اعزام نیروهایی از شهرستان‌های مختلف علاوه بر حمله به حسینیه و تخریب و اشغال آن، به منزل مسکونی و دفتر آیت‌الله منتظری نیز هجوم بردند و با شکستن اثاثیه و پاره کردن اوراق و غارت مدارک، ضررهای زیادی ایجاد کردند. در حمله به منزل و محل سکونت وی، برخی از مسؤولان اصرار داشتند منتظری را به بهانه حفظ جان به مکان نامعلومی انتقال دهند که با مخالفت او روبه‌رو شدند. حسینیه پس از چند روز که محل استقرار مهاجمان بود، درحالی‌که به شکل خرابه‌ای درآمده بود، به حکم دادگاه ویژه روحانیت بسته شد و پس از چند روز در یورشی مجدد و باز بنا به حکم دادگاه ویژه روحانیت، در زمان دادستانی آقای ری‌شهری درهای ورودی به منزل آیت‌الله منتظری مسدود و جوش داده شد

و تنها در ورودی به قسمت داخلی منزل او را باز گذاشتند که این در نیز به وسیله قرار دادن کیوسک و گماردن نیروهای سپاه پاسداران در جلوی آن به طور شبانه روزی کنترل می شد و بیش از پنج سال ایشان جز با فرزندان و خواهر و برادران و نوه های خویش با شخص دیگری اجازه ملاقات نداشتند.

این حصر تا زمانی که آیت الله منتظری بیمار شد ادامه داشت تا اینکه با فشار مراجع تقلید و نام‌نمایندگان مجلس با بیش از یکصد و ده امضا و همچنین توجه رسانه های جهانی، کیوسک حصر در تاریکی شب پنجشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۸۱ برداشته شد و البته از حضور خبرنگاران و تصویربرداران جلوگیری به عمل آمد. گرچه وی پس از چندی از تداوم مزاحمتها و شنودها از سوی برخی نهادها شکوه کرد. منتظری در تابستان ۱۳۷۹ وبگاه اینترنتی خود را تأسیس کرد و اولین مرجع تقلید شیعه بود که نظرات و فتاوی خود را از طریق اینترنت به اطلاع مقلدان و مریدانش می رساند. تأسیس پایگاه اینترنتی منتظری موجب بروز شگفتی فراوانی در جامعه شد چراکه او چندین سال در حبس خانگی به سر می برد. تمامی آثار منتظری بر روی این پایگاه اینترنتی قرار گرفته بود. او به گفته نزدیکانش مثل یک آدم امروزی اخبار سایت های مختلف را دنبال می کرد و در مورد مطالب سایتش صحبت می کرد. پس از فوت آیت الله منتظری واحد سایبری سپاه پاسداران این سایت را برای مدتی بطور کامل مسدود کرد. حسین علی منتظری در واکنش حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال 1388 از مسؤولان خواست نسبت به «اشتباهات انجام شده در رویدادهای اخیر»، از مردم عذرخواهی کنند و گفت:

«اینکه عده ای بتوانند دست به هر جنایتی بزنند، به خوابگاه دانشجویان حمله کرده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده و از طبقه بالا به پایین پرتاب کنند، قتل های زنجیره ای را انجام دهند و فرهیختگان این ملت را وحشیانه ترور کنند و از مجازات مصون باشند، با هیچ دین و آیینی سازگار نیست.»

بعد از سخنرانی آیت الله خامنه ای در نماز جمعه تهران مورخ ۲۹ خردادماه ۸۸، تظاهرات و اعتراضات خیابانی مردم به نتیجه انتخابات همچنان ادامه داشت. به دنبال کشته و مجروح شدن تعدادی از مردم در آخرین روزهای خردادماه 1388 آیت الله منتظری بیانیه ای صادر کرد، او در این بیانیه خاطرنشان شد:

«با حمایت قاطع خود از حرکتهای غیر خشونت بار ملت مسلمان برای دفاع از حقوق حقه خود در چارچوب قانون متقن اساسی جمهوری اسلامی که جمهوریت را رکن اصلی نظام می داند، هرگونه اقدامی که منجر به ضرر غیرقابل جبران به جمهوریت نظام گردد را جایز نمی دانم. هر یک از

برادران و خواهران دینی ما موظف است ملت را در دستیابی به حقوق حقه خودیاری دهد. بر این اساس، هرگونه مقاومت در این راستا، به خصوص ضرب و شتم و کشتار ملت را مصداق بارز مخالفت با اصول اساسی اسلام مبنی بر حاکمیت ملت بر سرنوشت خود دانسته و حرام شرعی اعلام می‌کنم.»

همچنین مهدی کروی با ارسال نامه‌ای به آیت‌الله منتظری از حمایت‌های ایشان از خویش در حوادث پس از انتخابات قدردانی کرد. منتظری در این دوران رهبر معنوی جنبش سبز ایران و نیز مرجع سبز نامیده شد.

جایگاه علمی

آیت‌الله منتظری یکی از مجتهدان طراز اول جهان اسلام و جوامع شیعی به حساب می‌آمد. اگر یک مجتهد موارد احتیاط خود را به مجتهد دیگری ارجاع دهد، بدین معناست که او آن مجتهد را بعد از خود از سایر مجتهدین دیگر شایسته‌تر می‌داند و آیت‌الله خمینی بسیاری از مسائل احتیاطی خود را به آیت‌الله منتظری ارجاع می‌داد.

در بین فقها دو روش برای اجتهاد معمول بوده است:

- 1 - روش فقه مجرد (بررسی آیات و روایات و نظرات فقهای شیعه در هر مسأله)

- 2 - روش فقه تطبیقی یا مقارنه (بررسی آیات و روایات و نظرات فقهای شیعه و ملاحظه فتوای فقهای اهل سنت)

از میان فقها و مراجع، تنها آیت‌الله بروجردی روش دوم را اتخاذ نموده بود و این روش را نزدیک‌تر به صواب می‌دانست. آیت‌الله منتظری نیز روش فقهی خود را بر همین اساس انتخاب کرده بود. او در مقام فتوا دادن و اجتهاد به کتب قدما توجه داشت. در هنگام تدریس او مطالب را پیش از درس به قلم خود می‌نگاشت و سطح مطالب غامض را آسان می‌نمود و به‌دوراز اصطلاحات نامفهوم بیان می‌کرد.

آثار علمی

برخی از آثار علمی آیت‌الله منتظری منتشر شده‌اند و برخی دیگر در دست انتشار هستند. در ذیل به تعدادی از این آثار اشاره می‌شود:

- 1- نه‌ایه الاصول
- 2- کتاب الخمس و الا نفاق
- 3- درس‌هایی از نهج البلاغه
- 4- رسالہ توضیح المسائل
- 5- از آغاز تا انجام
- 6- البدر الزاهر

7-دراسات فی ولایہ الفقیہ و فقہ الدولہ الاسلامیہ

8-کتاب الزکاه

9-محاضرات فی الاصول

10-کتاب الصلوہ ... و 27 اثر دیگر.

پرورشیا فتگان مکتب منتظری

شاگردان او را می‌توان به دو دوره تقسیم نمود:

دوره اول: کسانی که در سه دهه پیش از پیروزی انقلاب در درس ایشان حضور داشتند.

دوره دوم: کسانی که در سال‌های پس از انقلاب از محضر ایشان کسب فیض نمودند.

نام برخی از شاگردان ایشان عبارت است از: سید مصطفی خمینی، سید موسی صدر، محمد فاضل لنکرانی، محمدرضا مهدوی کنی، سید علی خامنه‌ای، اکبر هاشمی رفسنجانی، محسن قرائتی و صدها عالم و مجتهد دیگر.

رحلت

صاحب این زندگی پرالتهاب، ساعت ۱ بامداد روز یکشنبه ۲۹ آذرماه سال ۱۳۸۸ رخت از جهان بریست. به گفته یکی از فرزندان او به مرگ طبیعی فوت کرد. بعد از درگذشت ایشان، صدها هزار نفر از توده‌های مردمی پیکر او را تشییع کرده و در حرم حضرت معصومه در کنار مزار فرزند شهیدش - محمد منتظری - به خاک سپردند.